

مرد مردباری و دختر بازرگان

افسانه‌های مسلمان کرانه‌های رود هلیل

منصور علی‌میرای

سرشناسه	علیمردی، منصور، ۱۳۵۶ -
عنوان و پدیدآورنده	مرد رودباری و دختر بازرگان: افسانه‌های مردمان کرانه‌های رود هلیل / منصور علیمردی.
مشخصات نشر	کرمان: انتشارات فرهنگ عامه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	ص. ۳۵۲.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۹۸-۸-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	فبا
دیگر	افسانه‌های مردمان کرانه‌های رود هلیل.
موضوع	افسانه‌ها و قصه‌های کرمانی.
موضوع	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
ی‌کتاب	۱۳۹۲ : PIR/۷۳۵/۴۸۴۴
ردیف	۳۹۸/۲۰۹۵۵۷۲ :
شماره ثبت کتابخانه ملی	۱۳۳۲۶۲۵

فرهنگ عامه

مرد رودباری و دختر بازرگان

افسانه‌های مردمان کرانه‌های رود هلیل

منصور علیمردی

طرح جلد: امیر علایی

تصویرساز: حمید خلوتی

ویراستار: مریم فرنام

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، خیابان استاد نجات‌الهی، جنب دانشگاه پیام نور، کوچه‌ی اعتماد مقدم، پلاک ۱۰

☎ تلفکس کرمان: ۰۳۴۱-۲۲۴۴۲۰۲۴ Email: Farhange_ame@yahoo.com

ISBN: 978-600-93889-8-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۹۸-۸-۹

✱ تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است ✱

فهرست

۱۸۱	رحمت‌الله دبیر خرس و پیرمرد	۹	مقدمه
			مصطفی آزادی شیب
	مشهدی زینب دوراندیش	۱۵	جوگرو
۱۹۵	داد و بیداد	۳۹	خریده
۲۰۱	مرد رودباری و دختر بازرگان		عوض پگاه
	محمد سالاری فرد	۸۳	حسن یک تیر زن و دو شیرکُش
۲۰۹	دو چن		عباس حیدرپور
	زیاد ساد	۸۹	کاکا دروغ‌بند
۲۱۷	بی شکر	۹۹	شاه عباس
	چنگیز علیمردی	۱۰۵	نادرشاه
۲۲۷	قسمت نویس		جانعلی خاوند
	میرداد علیمردی	۱۱۹	تلافی
۲۳۷	دختر گوساله چران		پری سیما خسروی
۲۴۳	دزد و دختر پادشاه	۱۳۷	احمدک
	گل بی بی کردستانی	۱۵۳	کُره هولی
۲۵۱	آنگشتل		چراغ خان پایه
		۱۷۳	کاکا سیاه

۳۰۷	هر که کند به خود کند	محمد کشت‌کار	۲۵۷
		سه چاووش	۲۷۳
	عرب مشایخی	لشکری	
۳۱۱	شاه‌عباس و دختر فقیر	فاطمه میرکی	
		سر وزیر و سگ پیرزال	۲۹۳
۳۱۷	صادق نیک‌نفس	امعلی نظری	
	سه خواهری	زین‌الدین	۳۰۳

مقدمه

در این که افسانه با به عنوان مهم ترین گونه از انواع ادب شفاهی می توانند بیش از دیگر انواع فرهنگ عامه بیش از هر سند و مدرک تاریخی ما را به خلق و خو، نگرش و بینش یک قوم، یک ملت، و هنمون شوند جای هیچ تردیدی نیست. قصه همزاد زبان و تخیل آدمی است. نمایی از همواره با قصه ها جهان را به شیوهی خودش توضیح، تفسیر و معنا کرده است. جهان قصه ها بیش از این که روایتی تخیلی باشد، ساحت رمز است، جهان رمز و نشانه و از.

گذشته از ساکنان بومی و باستانی در کرانه های هلیل رود، این ناحیه از دیرباز محل استقرار اقوام و قبایل متعددی بوده که با خرافات، افسانه ها، ترانه ها، باورها و آداب و رسوم شان را به آنجا آورده اند. این امتزاج رنگ و بو در طول زمان باعث غنای فرهنگ شفاهی منحصربه فردی گردیده که تقریباً در هیچ جای دیگر کم سابقه است.

تمدن بشری با عنایت به یافته های جدید باستان شناسی به غایت و امدر تمدن هفت هزار ساله ی هلیل رود به عنوان مادر تمدن های جهان است که با اتکا به خط، دولت و شهر در سپیده دم تاریخ، توانسته با به وجود آوردن یک نظام منضبط مدنی یافته های علمی جهان ما را غافلگیر کند. اگر قرار باشد علاوه

بر اشیاء و آثار به دست آمده در حفاری‌های اخیر نشانی از فرهنگ، آداب و قراردادهای حاکم بر نظام اجتماعی مردمان قدیم جست‌وجو شود، باید دست به دامان فرهنگ شفاهی و به خصوص افسانه‌ها شد. تنها راه جست‌وجوی روح جمعی انسان دیروز این ناحیه، با توجه به گسست‌های تمدنی در طول زمان، واکاوی فرهنگ عامه بر کرانه‌های هلیل رود است.

شهرهایی که در گذر زمان بر کرانه‌های رود هلیل شکل گرفته‌اند، همواره چهاررودسپادین، توزیع کالاهایی بوده‌اند که از هند، یونان، حبشه، زنگبار، چین و مصر به این ناحی آورده می‌شد و به سرزمین‌های دیگر می‌رفت. «افضل کرمانی» مورخ نامدار قرن هفتم از این منطقه به «مخزن نفایس چین، ختا، هندوستان، حبشه، زنگبار، روم، مصر، ارمنیه، آذربایجان، ماوراءالنهر، عراق، خراسان و فارس»^۱ یاد می‌کند. تجارت به عنوان عامل مهم انتقال فرهنگ‌ها در جهان قدیم، قصه‌های بسیاری را در این منطقه آورده و از این دیار با خود به نواحی دیگر سوغات برده است؛ همان‌طور که از سپاهیان یونانی و عرب گرفته تا دیلمیان و صفاریان و اسماعیلیه و تاتارها و... که ردی از فرهنگ شفاهی خود در این سرزمین کهن بر جای گذاشته‌اند.

هر قوم، مهاجر یا مهاجم، که به کرانه‌های هلیل رود نقل مکان کرده، با خود قصه‌ها و حکایت‌ها، زبان و گویش و لهجه، رسم و آداب و باورهای قومی‌اش را آورده است، به‌طوری که امروزه می‌توان میراث این اقوام را در فرهنگ شفاهی حوزه‌ی هلیل به‌عینه شاهد بود. بیشتر طوایف ناحیه جنوب کرمان هنوز فامیل‌های لُر، لُر، لرستانی، کردستانی، سیستانی، ترکی، عربی و... دارند و با گویش‌ها و لهجه‌های مختلف و متفاوت تکلم می‌کنند. بسیاری از

۱. عقدالعلی للموقف الاعلی، ص ۳۷.

۲. قهادین موضعی بود بر در جیرفت، مسکن غرباء روم و هند و منزل مسافران بر و بحر، خزینة یتیمولان، گنج‌خانه‌ی ارباب بضایع شرق و غرب... تاریخ جیرفت و کهنوج، عزیزالله صفا، ص ۱۳۰، به نقل از سلجوقیان و غز در کرمان.

مناطق در جنوب کرمان به نام سرزمینی در شرق، غرب، جنوب و شمال ایران قدیم خوانده می‌شوند.

مردمان کرانه‌های هلیل مردم حکایت و روایت‌اند، مردم قصه و ماجرا. در فرهنگ شفاهی جنوب کرمان پشت هر چیزی، جاندار و بی‌جان، در جهان بی‌پایان، داستانی و قصه‌ای شنیدنی وجود دارد، باد و زمین و پرند، کوه و ریخت و دره و رود با خود مفاهیمی غریب و روایت‌هایی جادویی دارند. در هر سال پیش در بیشتر نواحی جنوب استان کرمان رسم بود که هر شب به وقت خواب یکی از اعضاء خانواده قصه بگوید. مردم با تخیل در سرزمین‌های شگفت‌افزاینده به خواب می‌رفتند و زمستان دور اجاق گرم کتوک‌ها و تابستان در خنای آبریزندها بساط قصه و قصه‌گویی همیشه برپا بود. این روزها اما، هر روز که بگذرد، قصه‌ای کهن در جایی از آن سرزمین شگفت می‌میرد. راویان کهنه‌تر دیگر قصه‌گویی را شایسته نمی‌دانند و بیشتر قصه‌گویان ماهر مرده‌اند یا دچار فراموشی شده‌اند.

قصه‌های این مجموعه همراه با قصه‌هایی که هنوز بر روی کاغذ پیاده نشده‌اند، در هر هفت شهرستان جنوب استان کرمان، یعنی جیرفت، عنبرآباد، رودبار جنوب، فاریاب، قلعه‌گنج، کهنوج و مریجان ضبط شده‌اند. برای دیدن هر قصه‌گو شهر به شهر و ده به ده رفته‌ام. در بیشتر قصه‌ها از زبان‌های رودباری متداول، کُرتّه و بلوچی روایت شده‌اند، ضمن برگردان به فارسی سعی کرده‌ام حتی‌الامکان به لحن راوی خدشه‌ای وارد نشود. همچنین در متن و نحوه‌ی روایت بعضی از قصه‌ها، به‌خصوص قصه‌های مناطق کوهستانی، دست برده نشده است. نتیجه‌ی کار مجموعه‌ای است که در پیش رو دارید. امیدوارم این اثر بتواند گامی، هر چند کوچک، در راستای حفظ ادب شفاهی و میراث معنوی مردمان کرانه‌های هلیل رود به حساب آید.

در پایان بر ذمه‌ی خود می‌دانم که از سروران بزرگواری که در شکل‌گیری این اثر از هیچ محبتی فروگذاری نکردند تشکر کنم.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر جعفری قنواتی، به‌خاطر محبت‌های درخشان. از دوست عزیز این همه سال، جهانبخش لورگی که برای آوانویسی اصل‌نسخات محلی کتاب زحمت کشید و از دوستان بزرگوarm فضل میرزایی زمان صادقی که بزرگوارانه در سفر قلعه‌گنج از هیچ همکاری و همیاری دریغ نکردند.

مهر ماه ۹۲

منصور علیمزادی

مصطفی آزادی شیبکوه

کهنه

ن: ه س

شغل: بااستی آموزش و پرورش



غروب با هم در خانه‌ی جهانبخش ازگی نشینیم، در شهرستان کهنوج، روز بعد وقتی که از پای قصه بلند شدیم نیمی از قصه را در روزم ناقم مانده بود. روایت مصطفی آزادی، همان‌طور که دراین دوافه هم مشهود است، با راویان دیگر قدری فرق می‌کند. توصیف جزءبه‌جزء، تلمیذی‌های جان‌دار، و پرداخت داستانی، که از ویژگی‌های رمان است، خصیصه‌ی روایت‌های آزادی است. جهان قصه‌های او رنگ و طعم و عطر دارد: شن‌زارهای سبز و سبز و طلایی در حوضچه‌های رودهای زلال، آواز ساحرانه‌ی پرندگان در جنگل‌های اساطیری، توصیف شخصیت‌های افسانه‌ای بی آن‌که به ساخت و ساخت قصه لطمه بخورد و حفظ امانتداری در بازگویی روایت مصطفی را از قصه‌ای مردمی متفاوت می‌کند.

باید قصه‌ها را از زبان خود آزادی شنید تا به توانایی هنرمندانه‌اش در روایت

قصه‌ها پی برد. گاه شعری چاشنی گفت‌وگوی قهرمان قصه می‌شود و گاه ضرب‌المثلی محلی که سال‌ها پیش از یاد رفته است.

www.ketab.ir